

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال ششم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۳

ص ص ۱۴۶-۱۳۱

نقش اجتماعی هیات مدیره در محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد امین حکیمی^۱

دکتر حیدر محمدزاده سالتله^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۳

چکیده

محافظه‌کاری به عنوان یکی از اصول کاربردی در تدوین استانداردهای حسابداری پدیدار شده است. حسابداران در شناسایی سود و زیان تمایل دارند که درجه تایید اخبار خوب (سود) نسبت به درجه تایید اخبار بد (زیان) زیادتر باشد. بر این اساس محافظه‌کاری مخلوق عدم تقارن در تایید وضعیت سود و زیان است. در این تحقیق، تجزیه و تحلیل جامعی روی، بررسی تاثیر اهرم مالی و ترکیب هیات مدیره در محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفت. ترکیب هیات مدیره با استفاده از معیارهای استقلال اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل سنجش شده است. همچنین برای سنجش محافظه‌کاری و بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر آن از مدل تعدیل شده باسو توسط خان و واتز (۲۰۰۷) استفاده شد. در این تحقیق اثرات سه متغیر اعم از اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه که انتظار می‌رفت بر روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته اثرگذار باشد کنترل گردید. جامعه مورد مطالعه شامل ۷۲ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. قلمرو زمانی تحقیق شامل یک دوره پنج ساله بر اساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۵ شرکت‌های مورد مطالعه است. جهت آزمون فرضیات از آزمون همبستگی و آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. در کل نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین استقلال اعضای هیات مدیره و محافظه‌کاری می‌باشد ولی بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و تعداد اعضای هیات مدیره با محافظه‌کاری رابطه‌ی معنی‌دار مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی: استقلال اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و محافظه‌کاری حسابداری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال- ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، گروه حسابداری؛ مرند- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

تشکیل شرکت‌های بزرگ و به دنبال آن، مسائل مربوط به تفکیک مالکیت از مدیریت و پیامدهای خوشایند و ناخوشایند آن در اواخر سده‌ی نوزدهم و اوایل دهه‌ی بیستم در سطح جهانی مطرح شد. اما موضوع حاکمیت شرکتی به شکل کنونی، ابتدا در دهه‌ی ۱۹۹۰ در انگلستان، امریکا و کانادا و در پاسخ به مشکلات مربوط به کارایی هیات مدیره‌ی شرکت‌های بزرگ مطرح گردید. پس از اندک مدتی، بحران‌های مالی سال‌های اخیر منجر به تاکید بیشتری به برقراری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در این کشورها و سایر کشورهای دنیا شده است. نیاز به حاکمیت شرکتی ناشی از تضاد منافی است که بین مشارکت‌کنندگان در شرکت وجود دارد. مدیران مالی همواره درگیر اتخاذ تصمیم در ارتباط با تامین مالی با نگرش تحلیل هزینه منفعت هر روش و نیز تطبیق نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها و نرخ بهره‌ی پرداختی می‌باشند. این پدیده به علت ظهور پارادایم نمایندگی و همچنین تغییرات بازده و ریسک ناشی از عملکرد تامین مالی شرکت‌ها، یکی از چالش برانگیزترین مباحث حوزه‌ی بازارهای تامین سرمایه‌ی است.

عوامل موثر بر نگرش مدیران مالی در ارتباط با منابع و مصارف سرمایه، چرایی و چگونگی انتخاب منبعی خاص را با توجه به مقتضیات محیط بیرون و نیز پدیده‌های غالب درون شرکتی تعیین می‌کند. در این خصوص محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که در قالب یک میثاق محدود کننده در چارچوب اصول و مفاهیم حسابداری ایفاگر نقش مهمی در محدود کردن رفتارهای خوش‌بینانه‌ی مدیران در جایگاه تهیه‌کنندگان اطلاعات و اعمال برآوردی از حداقل عایدات توسط سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در جایگاه مهم‌ترین استفاده‌کنندگان است. تحقیقاتی که درباره محافظه‌کاری انجام گرفته است، مؤید اهمیت نقش این میثاق حسابداری در زمینه‌های مختلفی از قبیل برطرف کردن مسائل برخاسته از نمایندگی، بی‌اثر ساختن مسائل ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان آگاه و ناآگاه، احقاق حقوق ذی‌نفعان عمده، تاثیر مثبت بر کاهش هزینه‌های استقراض و هزینه‌های سرمایه، نقش بازدارندگی در قبال وقوع رسوایی‌های مالی و همچنین نقش انکارناپذیر آن در مبحث حاکمیت شرکتی است. ساختار سرمایه از ترکیب بهینه بدهی و حقوق صاحبان سهام برای تامین منابع مالی مورد نیاز شرکت‌ها تعیین می‌گردد. این سازوکار باید به گونه‌ای ترسیم گردد که بتواند غایت همه‌ی شرکت‌ها را که همان حداکثر-سازی ارزش است، خلق کند. اما پیگیری هدف مذکور هرچند که در نظر اول ساده و دلپسند می‌آید؛ اما این هدف نمی‌تواند رهنمودی کاربردی و مفید واقع گردد. در واقع مساله اصلی این است که مدیران مالی چگونه این کار را انجام دهند. علی‌رغم این، در شرایط تحول‌پذیر امروزی شرکتی می‌تواند صاحبان اصلی خود (سهامداران) را از سود بیشتر برخوردار کند که بتواند به بهترین طریق ممکن از عهده مدیریت سرمایه (تهیه و مصارف سرمایه) برآید. تحقق این مهم، مدیران مالی را مجاب می‌کند که با توجه به پارامترهای کمی موجود در صورت‌های مالی به خصوص سودآوری، نقدینگی، فروش، سود عملیاتی و فرصت‌های

رشد آتی و نیز متغیرهای کیفی حاکم بر عملکرد شرکت‌ها از جمله نوع صنعت، دیدگاه عمومی و ترکیب مالکیت، بتوانند بهترین ترکیب بهینه سرمایه را خلق کنند. بنابراین ضرورت انجام یک پژوهش گسترده در زمینه بسط مبانی نظری و عملی کاربرد میثاق حسابداری محافظه‌کاری و بررسی رابطه آن با ترکیب اعضای هیات مدیره و ساختار سرمایه ضروری به نظر می‌رسد. هدف این تحقیق بررسی نقش اجتماعی هیات مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق روزلیندا (۲۰۰۹) بیانگر رابطه ضعیف نظام راهبری شرکتی با افزایش محافظه‌کاری در صورت‌های مالی می‌باشد. وی دریافت که استقلال کمیته حسابرسی و اندازه هیات مدیره هیچ‌گونه تاثیری بر افزایش محافظه‌کاری در صورت‌های مالی ندارد. استفاده از ۵ حسابرس مستقل بزرگ نیز تاثیر کمی بر افزایش محافظه‌کاری داشته است. تفکیک وظایف رئیس هیات مدیره از مدیرعامل و میزان استقلال هیات مدیره تاثیر محدودی بر محافظه‌کاری داشته است.

ووچان چی و دیگران (۲۰۰۹) نیز دریافتند که نسبت بالاتر سهام در دست سهام‌داران نهادی منجر به کاهش تقاضا برای محافظه‌کاری گردیده و از سویی دیگر تفکیک ریاست هیات مدیره از مدیرعامل باعث کاهش تقاضا برای محافظه‌کاری می‌گردد.

لیم (۲۰۰۹) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی محافظه‌کاری حسابداری با حاکمیت شرکتی» به این نتیجه رسید که یک ارتباط مثبت بین میزان مدیران مستقل در هیات مدیره و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد. هم‌چنین در هیچ یک از مدل‌های سنجش محافظه‌کاری ارتباطی بین اندازه‌ی هیات مدیره و میزان مدیران مستقل در کمیته‌ی حسابرسی با محافظه‌کاری حسابداری وجود ندارد. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی به بررسی ارتباط بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این تحقیق در خصوص ارتباط بین محافظه‌کاری و نظام راهبری شرکتی بیانگر وجود رابطه مثبت بین درصد مالکیت نهادی سهام و درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و رابطه منفی بین تفکیک وظایف رئیس هیات مدیره از مدیرعامل با محافظه‌کاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بوده است. ضمن این که بین محافظه‌کاری و وجود حسابرسی داخلی در بورس اوراق بهادار تهران رابطه‌ای مشاهده نگردید. هم‌چنین بین اهرم مالی به عنوان متغیر کنترل و محافظه‌کاری رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. نتیجه کلی تحقیق، تاییدکننده دیدگاه مکمل در خصوص ارتباط بین محافظه‌کاری و مکانیزیم‌های راهبری شرکتی می‌باشد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی به بررسی اثر ساختار مالکیت اصلی بر محافظه‌کاری در سود پرداختند. به طور کلی نتایج تحقیق بیانگر رابطه منفی بین میزان مالکیت سهام‌دار کنترل‌کننده و سطح محافظه‌کاری در سود است. این نتیجه با کاهش سطح قراردادهای برون سازمانی سازگار است. به علاوه،

بین این انحراف با محافظه‌کاری در سود رابطه منفی به دست آمد. زمانی که این تفاوت افزایش می‌یابد، شرکت با هزینه‌های زیادتز قراردادها برون‌سازمانی روبه‌رو می‌شود. همچنین بین اهرم مالی به عنوان متغیر کنترل و محافظه‌کاری رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد.

حساس‌یگانه و شهریاری (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری پرداختند. برای بررسی این رابطه، از مدل رگرسیون استفاده شده است. آن‌ها بر اساس اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۸۱ (۲۸۵ سال - شرکت) به این نتیجه رسیدند که با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی، از قبیل: اندازه، رشد، اهرم مالی و ... رابطه منفی معناداری میان تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری وجود دارد. این نتیجه‌گیری مطابق با فرضیات منافع شخصی و اتحاد استراتژیک و ناهماهنگ با فرضیه نظارت فعال است. همچنین در این تحقیق رابطه معناداری بین اهرم مالی با محافظه‌کاری مشاهده نشد.

کرمی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌ها بیانگر وجود رابطه مثبت بین درصد مالکیت اعضای هیات مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی با محافظه‌کاری و رابطه منفی بین نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره و محافظه‌کاری است.

محمودزاده و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی پرداختند. در این مقاله، محافظه‌کاری با استفاده از ۲ مدل باسو (۱۹۹۷) و رویچوداری و واتز (۲۰۰۶) اندازه‌گیری شده و مالکیت سهام‌داران نهادی، تمرکز مالکیت و استقلال اعضای هیات مدیره به عنوان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده است. نتایج بیانگر عدم وجود رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. البته در این تحقیق آثار برخی متغیرهای کنترلی نیز در نظر گرفته شده است. مانند اهرم مالی که رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با محافظه‌کاری دارد.

فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق شامل سه فرضیه به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱. میزان استقلال هیات مدیره بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
۲. تعداد اعضای هیات مدیره بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
۳. دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.

روش و قلمرو تحقیق

با توجه به این که این تحقیق به دنبال بررسی نقش اجتماعی هیات مدیره در محافظه‌کاری حسابداری است، لذا روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و از نوع علی پس رویدادی بوده و با توجه به این که می‌تواند مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی قرار گیرد از نوع کاربردی است.

قلمرو زمانی تحقیق

قلمرو زمانی تحقیق شامل یک دوره زمانی پنج ساله بر اساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۵ شرکت‌های مورد مطالعه می‌باشد.

قلمرو مکانی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق شامل بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری تحقیق

با توجه به طول دوره مورد بررسی، نمونه‌ها باید به نحوی انتخاب شوند که در این مدت، بازار فعال داشته باشند تا امکان آزمون فرضیه‌ها فراهم شود. بدین منظور طرح زیر برای انتخاب نمونه‌ها به کار گرفته شده است:

۱. شرکت از ابتدای سال ۱۳۸۹-۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 ۲. سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود و شرکت در دوره‌ی مورد مطالعه، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
 ۳. جزء بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشد.
 ۴. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه‌ی متغیرهای تحقیق در سال‌های مورد بررسی در دسترس باشد.
 ۵. شرکت‌ها جزء شرکت‌های فعال بورس بوده و یا حداقل در روزهای مورد بررسی فعال باشند.
- با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، تعداد ۳۶۰ مشاهده برای هر متغیر که مربوط به ۷۲ شرکت می‌باشند، به عنوان نمونه تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند.
- محدودیت‌های انتخاب نمونه به شرح زیر اعمال شده‌اند:

جدول شماره (۱): نحوه انتخاب شرکت‌های نمونه

۳۴۲	شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۸۹
۴۴	شرکت‌های واسطه‌گری مالی و بیمه‌ای و بانک‌ها
۱۱۷	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به اسفند ماه نیست
۳۶	شرکت‌هایی که بیش از شش ماه وقفه عملیاتی داشتند.
۷۳	شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس نیست و یا از بورس حذف شده-اند.
۷۲	شرکت‌های باقی‌مانده در نمونه آماری تحقیق

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیرهای مستقل: ترکیب هیات مدیره شامل معیارهای زیر می‌باشد:

۱. استقلال اعضای هیات مدیره (BoardInd)
در تحقیق حاضر از نسبت مدیران غیرموظف هیات مدیره به کل اعضاء برای سنجش میزان استقلال اعضای هیات مدیره استفاده شده است.
۲. تعداد اعضای هیات مدیره (BSize)
این متغیر نشان‌دهنده نسبت اعضا غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره می‌باشد.
۳. دوگانگی وظیفه مدیرعامل (CEO)
یک وظیفه عمده هیات مدیره نظارت بر عملکرد مدیریت می‌باشد. بر اساس تئوری نمایندگی، استقلال هیات مدیره از مدیریت، رئیس هیات مدیره و بالاترین مقام اجرایی نباید شخص واحدی باشند. عدم انتخاب یک نفر در دو سمت (NON-Duality) یک متغیر تصنعی است که ارزش یک زمانی به آن تعلق می‌گیرد که دو شخص متفاوت سمت‌های ریاست هیات مدیره و مدیریت عامل را به عهده بگیرند هر دو آن‌ها جزء سهامداران عمده نیز نباشند. برای کمی کردن این متغیر از متغیرهای اسمی (۰ و ۱) استفاده گردید.

متغیر وابسته: محافظه‌کاری حسابداری

در تحقیق حاضر از یک مدل رگرسیون چندمتغیره که الهام گرفته از مدل باسو (۱۹۹۷) و مدل تعدیل شده‌ی باسو که توسط روچوداری و واتز (۲۰۰۶) مطرح گردیده برای بررسی رابطه‌ی ترکیب هیات مدیره و محافظه‌کاری استفاده شده است. شرح هر یک از مدل‌ها به صورت زیر می‌باشد:

مدل باسو: تمایل به سرعت بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها معرف محافظه‌کاری از دیدگاه سود و زیانی است و بر همین اساس باسو در سال ۱۹۹۷ میلادی معیار عدم تقارن زمانی سود را معرفی نمود. مدل باسو به صورت زیر است:

$$E_{i,t} / P_{i,t-1} = \alpha + \beta_1 D_{i,t} + \beta_2 R_{i,t} + \beta_3 D \times R$$

$E_{i,t}$ = سود قبل از اقلام غیرمترقبه‌ی شرکت i در سال t

$P_{i,t-1}$ = ارزش بازار سرمایه‌ی شرکت i در ابتدای سال t

$R_{i,t}$ = بازده سالانه‌ی سهام شرکت i در سال t

$D_{i,t}$ = یک متغیر مجازی ۰ و ۱ که اگر $R \leq 0$ باشد مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت، صفر منظور می‌شود.

β = پاسخ و واکنش سود به بازده مثبت را اندازه‌گیری می‌کند.

$\beta_2 + \beta_3$ = پاسخ و واکنش سود به بازده منفی را اندازه‌گیری می‌کند.

محافظه‌کاری یعنی $\beta_2 + \beta_3 > \beta$ به عبارت دیگر $\beta_3 > 0$ باشد.

مدل تعدیل‌شده‌ی باسو: مدل باسو در تحقیقات زیادی مورد آزمون و سنجش قرار گرفت که نتایج آن حاکی از وجود رابطه‌ی منفی بین این معیار با نسبت M/B (یک معیار قدیمی و شناخته شده برای محافظه‌کاری) بود، از این رو نتایج مذکور منجر به زیر سوال رفتن اعتبار مدل باسو شد. پس از انتقاداتی که نسبت به معیار باسو وارد آمد رویچوداری و واتز در سال ۲۰۰۶ میلادی طی تحقیق تجربی خود نشان دادند که اگر دوره‌ی برآورد عدم تقارن زمانی سود از یک دوره به چند دوره افزایش یابد رابطه‌ی بین معیار عدم تقارن زمانی سود و نسبت M/B در پایان آن دوره‌ی طولانی مثبت خواهد شد. بنابراین نتایج تحقیق رویچوداری و واتز (۲۰۰۶) منجر شد که معیار باسو به صورت عدم تقارن زمانی سود چند دوره‌ای تعدیل شود. در این تحقیق نیز با استفاده از مدل زیر که برگرفته از معیار عدم تقارن زمانی سود یک دورای (مدل باسو) و معیار عدم تقارن زمانی چند دوره‌ای (مدل رویچوداری و واتز) است، رابطه‌ی بین اهرم مالی و ترکیب هیات مدیره در محافظه‌کاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

$$E / P_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1(D_{i,t}) + \beta_2(R_{i,t}) + \beta_3(R_{i,t} \times \text{Attrib}_{i,t}^k) + \beta_4(R_{i,t} \times \text{MB}_{i,t}) + \beta_5(R_{i,t} \times \text{Lev}_{i,t}) + \beta_6(R_{i,t} \times \text{Size}_{i,t}) + \beta_7(D_{i,t} \times R_{i,t}) + \beta_8(D_{i,t} \times R_{i,t} \times \text{Attrib}_{i,t}^k) + \beta_9(D_{i,t} \times R_{i,t} \times \text{MB}_{i,t}) + \beta_{10}(D_{i,t} \times R_{i,t} \times \text{Lev}_{i,t}) + \beta_{11}(D_{i,t} \times R_{i,t} \times \text{Size}_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق:

$\text{Attrib}_{i,t}^k$ = به ترتیب در فرضیه‌ی k ام (دوم، سوم و چهارم) معادل میزان استقلال اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل شرکت در سال t است.

$\text{MB}_{i,t}$ = متغیر کنترلی نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه‌ی شرکت در سال t

$\text{Lev}_{i,t}$ = متغیر کنترلی اهرم شرکت در سال t

$\text{Size}_{i,t}$ = متغیر کنترلی اندازه‌ی شرکت در سال t

در مدل فوق به ترتیب در فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم (معادل میزان استقلال اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای k ام) هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل شرکت در سال t است.

$\text{MB}_{i,t}$ = متغیر کنترلی نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه‌ی شرکت در سال t

$\text{Lev}_{i,t}$ = متغیر کنترلی اهرم شرکت در سال t

$\text{Size}_{i,t}$ = متغیر کنترلی اندازه‌ی شرکت در سال t

جدول شماره (۲): یافته‌های توصیفی

ارزش	متوسط	میانه	مد	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
۳۶۰	۰/۴۵	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۲۹	۰/۰۰	۱/۰۰
۳۶۰	۵/۰۳	۵/۰۰	۵/۰۰	۰/۲۳	۵/۰۰	۷/۰۰
۳۶۰	۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۵۵	۰/۱۶	۰/۱۵	۱/۰۸
۳۶۰	۳/۶۰	۲/۵۰	۱/۶۲	۳/۴۴	۰/۳۳	۲۷/۲۵
۳۶۰	۱۱/۸۱	۱۱/۷۰	۱۲/۰۰	۰/۷۱	۷/۲۱	۱۳/۸۶
۳۶۰	۰/۱۹	۰/۱۸	-۱/۲۹	۰/۱۸	-۱/۲۹	۰/۶۸
۳۶۰	۱۵/۵۸	۷/۱۵	-۸/۵۰	۸/۲۱	-۶۳/۶۰	۲۹۷/۲۰

جدول شماره (۳): آمار توصیفی متغیر Board Ind

ارزش	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی داده‌های صحیح	درصد تجمعی
۰	۶۵	۱۸/۱	۱۸/۱	۱۸/۱
۰/۱۴	۴	۱/۱	۱/۱	۱۹/۲
۰/۲	۳۷	۱۰/۳	۱۰/۳	۲۹/۴
۰/۴	۷۹	۲۱/۹	۲۱/۹	۵۱/۴
۰/۶	۹۶	۲۶/۷	۲۶/۷	۷۸/۱
۰/۸	۶۴	۱۷/۸	۱۷/۸	۹۵/۸
۱	۱۵	۴/۲	۴/۲	۱۰۰
جمع	۳۶۰	۱۰۰	۱۰۰	

جدول شماره (۴): آمار توصیفی متغیر BSize

ارزش	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی داده‌های صحیح	درصد تجمعی
۵	۳۵۵	۹۸/۶	۹۸/۶	۹۸/۶
۷	۵	۱/۴	۱/۴	۱۰۰
جمع	۳۶۰	۱۰۰	۱۰۰	

جدول شماره (۵) : آمار توصیفی متغیر CEO

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد تجمعی
۰	۷۸/۶	۷۸/۶	۷۸/۶
۱	۲۱/۴	۲۱/۴	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۳۶۰

جدول شماره (۶) : آزمون همبستگی

متغیرها	همبستگی اسپیرمن			همبستگی پیرسون		
	همبستگی اسپیرمن	Sig	ضریب همبستگی اسپیرمن	همبستگی پیرسون	Sig	ضریب همبستگی پیرسون
EP	۱	-----	۱	۱	-----	۱
D	معنی دار	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۸	معنی دار	۰/۰۰۰	-۰/۱۹۵
R	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	غیر معنی دار	۰/۴۹۷	-۰/۰۳۶
R*D	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۲۴۸
R*BoardInd	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶	غیر معنی دار	۰/۲۹۶	-۰/۰۵۵
R*Bsize	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۵۳	غیر معنی دار	۰/۵۰۲	-۰/۰۳۶
R*CEO	معنی دار	۰/۰۰۱	۰/۱۷۸	غیر معنی دار	۰/۱۷۵	۰/۰۷۲
R*MB	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶	غیر معنی دار	۰/۴۲۶	۰/۰۴۲
R*LEV	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴	معنی دار	۰/۰۰۱	-۰/۱۶۹
R*Size	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۵۷	غیر معنی دار	۰/۴۱۷	-۰/۰۴۳
D*R*BoardInd	معنی دار	۰/۰۰۰	-۰/۲۸۱	معنی دار	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۶
D*R*Bsize	معنی دار	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۰	معنی دار	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۸
D*R*CEO	معنی دار	۰/۰۳۴	-۰/۱۱۲	غیر معنی دار	۰/۲۳۸	-۰/۰۶۲
D*R*MB	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	معنی دار	۰/۰۰۷	۰/۱۴۲
D*R*LEV	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶
D*R*Size	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	معنی دار	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷

آزمون فرضیه‌ها

جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره به صورت ترکیبی (سال - شرکت) استفاده شده است. در این روش کلیه اطلاعات گردآوری شده ۷۲ شرکت در طی ۵ سال وارد معادله رگرسیون می‌شوند. در این روش چون تعداد مشاهدات بالا می‌رود در نتیجه دقت آن از روش مقطعی (سال به سال) بیشتر می‌باشد.

جدول شماره (۷): جدول معادله رگرسیون خطی چند متغیره

روش رگرسیونی ENTER			متغیرهای توضیحی و مستقل
آماره t	Sig	β	
۱۶/۹۴۲	۰/۰۰۰	۰/۲۳۲	B_0 مقدار ثابت
-۱/۵۸۲	۰/۱۱۵	-۰/۰۳۸	$B_1 D$
۲/۳۳۳	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	$B_2 R$
-۹/۴۵۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۰	$B_3 R*LEV$
۰/۶۴۶	۰/۵۱۹	۰/۰۰۴	$B_4 R*MB$
-۰/۷۹۵	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	$B_5 R*Size$
۰/۲۲۷	۰/۰۲۸۱	۰/۰۰۳	$B_6 R*D$
۳/۴۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۱۷	$B_7 D*R*LEV$
-۰/۴۱۹	۰/۶۷۶	-۰/۰۰۷	$B_8 D*R*MB$
-۰/۲۷۱	۰/۷۸۷	۰/۰۰۰	$B_9 D*R*Size$
	۱/۵۲۱		دوربین واتسون
	۰/۳۱۵		ضریب تعیین R square
	۰/۲۹۷		ضریب Adjusted R squar
			تعیین تعدیل شده
	۱۷/۸۶۳	آماره F	معنی داری
	۰/۰۰۰	Sig	کل مدل
			Anova

آزمون فرضیه اول

مقدار ضریب B_7 که اختلاف حساسیت E/P به بازده‌های مثبت و منفی را نشان می‌دهد بزرگ‌تر از صفر (۰/۰۱۲) و معنی‌دار بوده که گویای این مطلب است که واکنش E/P به بازده منفی سریع‌تر از واکنش E/P به بازده مثبت است. به عبارتی مثبت بودن ضریب B_7 وجود عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد نسبت به اخبار خوب دلالت دارد و نشانگر محافظه‌کاری است. همچنین مقدار ضریب B_3 منفی (۰/۰۰۳) (-۰/۰۰۳)

و سطح معنی‌داری آن قابل قبول (۰/۰۰۰) است و این نشان می‌دهد بین واکنش E/P به بازده‌های مثبت با درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره رابطه منفی وجود دارد.

سطح معنی‌داری B_8 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر (۰/۰۱۶) است و هم‌چنین رقم بتا (۰/۰۰۷-) منفی می‌باشد لذا وجود رابطه معنی‌دار و منفی بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و محافظه‌کاری مورد تایید می‌باشد. به عبارتی شرکت‌های با درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره بالا گرایش کمتری به گزارشگری محافظه‌کارانه دارند.

سطح معنی‌داری B_9 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر (۰/۰۱۹) است و هم‌چنین رقم بتا (۰/۰۱۹) مثبت می‌باشد، بنابراین رابطه مثبت و معنی‌دار بین اهرم مالی و محافظه‌کاری وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری B_{10} و B_{11} از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۹۵۱ و ۰/۹۶۱) است، لذا نمی‌توان رابطه‌ای معنی‌دار بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه و اندازه شرکت با محافظه‌کاری مشاهده نمود.

آزمون فرضیه دوم

مقدار ضریب B_7 که اختلاف حساسیت E/P به بازده‌های مثبت و منفی را نشان می‌دهد بزرگ‌تر از صفر (۰/۰۰۵) و معنی‌دار بوده که گویای این مطلب است که واکنش E/P به بازده منفی سریع‌تر از واکنش E/P به بازده مثبت است. به عبارتی مثبت بودن ضریب B_7 بر وجود عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد نسبت به اخبار خوب دلالت دارد و نشانگر محافظه‌کاری است. مقدار ضریب B_3 مثبت (۰/۰۰۳) و سطح معنی‌داری آن از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۴۲۱) است و این نشان می‌دهد بین واکنش E/P به بازده‌های مثبت با تعداد اعضای هیات مدیره رابطه‌ای وجود ندارد.

سطح معنی‌داری B_8 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۹۷۴) است لذا وجود رابطه معنی‌دار بین تعداد اعضای هیات مدیره و محافظه‌کاری مورد تایید نمی‌باشد.

سطح معنی‌داری B_9 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر (۰/۰۰۰) است و هم‌چنین رقم بتا (۰/۰۱۸) مثبت می‌باشد بنابراین رابطه مثبت و معنی‌دار بین اهرم مالی و محافظه‌کاری وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری B_{10} و B_{11} از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۶۳۹ و ۰/۸۹۰) است لذا نمی‌توان رابطه‌ای معنی‌دار بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه و اندازه شرکت با محافظه‌کاری مشاهده نمود.

آزمون فرضیه سوم

مقدار ضریب B_7 که اختلاف حساسیت E/P به بازده‌های مثبت و منفی را نشان می‌دهد بزرگ‌تر از صفر (۰/۰۰۱) و معنی‌دار بوده که گویای این مطلب است که واکنش E/P به بازده منفی سریع‌تر از واکنش E/P به بازده مثبت است. به عبارتی مثبت بودن ضریب B_7 بر وجود عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد نسبت به

اخبار خوب دلالت دارد و نشانگر محافظه‌کاری است. مقدار ضریب B_3 مثبت (۰/۰۰۰) و سطح معنی‌داری آن از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۳۰۲) است و این نشان می‌دهد بین واکنش E/P به بازده‌های مثبت با دوگانگی وظیفه مدیرعامل رابطه‌ای وجود ندارد.

سطح معنی‌داری B_8 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۴۷۰) است لذا وجود رابطه معنی‌دار بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و محافظه‌کاری مورد تایید نمی‌باشد.

سطح معنی‌داری B_9 از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر (۰/۰۰۰) است و همچنین رقم بتا (۰/۰۱۸) مثبت می‌باشد. بنابراین رابطه مثبت و معنی‌دار بین اهرم مالی و محافظه‌کاری وجود دارد. همچنین سطح معنی‌داری B_{10} و B_{11} از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر (۰/۷۰۵ و ۰/۵۹۱) است، لذا نمی‌توان رابطه‌ای معنی‌دار بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سرمایه و اندازه شرکت با محافظه‌کاری مشاهده نمود.

جدول شماره (۸): آزمون فرضیه

نتیجه	فرضیه
تایید	میزان اهرم مالی بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
تایید	میزان استقلال هیات مدیره بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
رد	تعداد اعضای هیات مدیره بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.
رد	دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تاثیر دارد.

نتیجه و تفسیر آزمون فرضیه اول

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین استقلال هیات مدیره و محافظه‌کاری رابطه معنی‌دار وجود دارد. هم چنین بتای مدل رگرسیون بیان می‌کند که این رابطه به صورت منفی می‌باشد به عبارتی با افزایش استقلال هیات مدیره، رغبت برای گزارشگری محافظه‌کارانه کاهش پیدا می‌کند. بدین ترتیب فرضیه اول مورد تایید قرار می‌گیرد.

از آنجا که مسئولیت‌های اعضای موظف هیات مدیره ارتباط نزدیکی با مدیرعامل دارد، انتظار می‌رود وظیفه نظارت بر مدیریت عمدتاً بر عهده اعضای غیرموظف هیات مدیره قرار گیرد، بنابراین اعضای غیرموظف هیات مدیره از جایگاه مهمی در حل مشکل نمایندگی بین مدیران و مالکان برخوردارند. در این راستا برخی تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که هیات مدیره‌هایی که اعضای غیرموظف در آنها تسلط دارند، بیشتر در راستای منافع سهام‌داران گام برداشته و با احتمال بیشتری مانع عملکرد ضعیف اعضای

هیات مدیره می‌شوند. همچنین مشخص شده است که شرکت‌های دارای هیات مدیره با اکثریت اعضای غیرموظف، کمتر درگیر تقلب‌های حسابداری هستند.

برخلاف انتظار نتایج این تحقیق نشان می‌دهد با افزایش استقلال هیات مدیره استفاده از روش‌های محافظه‌کارانه کاهش می‌یابد، به عبارتی با توجه به نتایج تحقیق مدیران غیرموظف نتوانسته‌اند نقش نظارتی فعالی بر عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران داشته و مانع استفاده از روش‌های متهورانه حسابداری توسط مدیران شوند، که دلیل آن ممکن است این مطلب باشد که در این تحقیق، مدیرانی که در شرکت سمت اجرایی ندارند به عنوان مدیر غیرموظف تعریف شدند و فرض شده است که مستقل از شرکت هستند، در حالی که ممکن است آنان واقعاً مستقل نباشند به عنوان نمونه، بسیاری از آن‌ها عملاً توسط شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، تجاری، مدیرعامل و رئیس هیات مدیره منصوب می‌شوند یا ممکن است به دلیل مدت زمان طولانی عضویت در هیات مدیره به آن شرکت وابستگی پیدا کرده باشند. یا این که مدیران غیرموظف تحت تاثیر مدیران موظف قرار گرفته باشند. دلایلی که ممکن است مدیران غیرموظف تحت تاثیر مدیران موظف قرار گرفته باشند: ۱. فقدان دانش و تخصص کافی برای ارزیابی تصمیمات مدیران ۲. فقدان انگیزه در چالش کشیدن این تصمیم‌ها.

نتیجه و تفسیر آزمون فرضیه دوم

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین تعداد اعضای هیات مدیره و محافظه‌کاری رابطه معنی‌دار وجود ندارد بدین ترتیب فرضیه دوم مورد تایید قرار نمی‌گیرد. هیات مدیره‌ی شرکت‌ها یکی از این مکانیزم‌های قوی حاکمیت شرکتی می‌باشد و به عقیده‌ی فاما و جنسن (۱۹۸۳) نقش مرکزی را در حاکمیت شرکتی بازی می‌کنند لیم (۲۰۰۹). به طوری که یک هیات مدیره‌ی موثر با تعداد کافی، مدیریت شرکت را به اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه سوق می‌دهد تا از رفتارهای خوشبینانه‌ی مدیریت و افزایش ریسک دعاوی حقوقی بر علیه شرکت، جلوگیری کند. با توجه به این که در این تحقیق اکثر شرکت‌های نمونه دارای تعداد اعضای هیات مدیره پنج نفره هستند و فقط شرکت بازرسی و فنی تکین دارای هیات مدیره هفت نفره می‌باشد بنابراین انتظار می‌رود که تغییرات متغیر تعداد اعضای هیات مدیره بر محافظه‌کاری تاثیری نداشته باشد.

نتیجه و تفسیر آزمون فرضیه سوم

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و محافظه‌کاری رابطه معنی‌دار وجود ندارد بدین ترتیب فرضیه سوم مورد تایید قرار نمی‌گیرد. نتایج تحقیقات احمد و دیولمن (۲۰۰۷) و ژوانهو (۲۰۰۹) بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین محافظه‌کاری با تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیات مدیره بوده است و نتیجه تحقیق ووچان چی و دیگران (۲۰۰۹) بیانگر وجود رابطه معکوس بین محافظه‌کاری و تفکیک وظیفه مدیرعامل از رئیس هیات مدیره می‌باشد. ضمن این که نتیجه تحقیق روزلیندا (۲۰۰۹) برخلاف تحقیقات ذکر شده بیانگر وجود رابطه ضعیف مثبت

بین این دو متغیر بوده است. وجود نتایج متناقض در این خصوص ممکن است به علت تفاوت در محیط تجاری و اقتصادی پژوهش‌های صورت گرفته و نیز تفاوت در کیفیت، اهمیت و وظایف رئیس هیات مدیره و میزان تاثیرگذاری مدیرعامل بر اعضای هیات مدیره بوده باشد.

پیشنادهای حاصل از نتایج تحقیق

۱. با توجه به این که در اهمیت حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت‌ها و رفاه اجتماعی شکی نیست و اصلاح و ارتقا حاکمیت شرکتی موجب توسعه بازار سرمایه خواهد شد و رشد و توسعه اقتصادی را به همراه خواهد داشت. براساس مبانی نظری و پیشینه عملی در سراسر دنیا، برای اطمینان از کارکرد مناسب شرکت‌ها و بازار سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ارتقا حاکمیت شرکتی ضرورت حیاتی دارد. در کشور ما نیز اخیراً نه با قانون، بلکه با تصویب آیین‌نامه اصول حاکمیت شرکتی، روش‌های نظارت و کنترل بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد توجه قرار گرفته است و مقررات متعدد و مناسبی جهت گسترش بازار سرمایه توسط مسئولان بورس تدوین و به اجرا گذاشته شده است، لکن برای ارتقا سیستم حاکمیت شرکتی کافی به نظر نمی‌رسد. افزون بر آن، بدون انجام اصلاحات اساسی در سیستم حاکمیت شرکتی، عرضه سهام شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی سرمایه، غیرممکن بوده و ورود گسترده سرمایه‌گذاران خارجی در بازار سرمایه نیز بعید به نظر می‌رسد. لذا با توجه به تاثیر منفی استقلال هیات مدیره بر محافظه‌کاری و همچنین عدم تاثیر تعداد اعضای هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر افزایش استفاده از روش‌های محافظه‌کارانه به سازمان بورس اوراق بهادار و سایر ارگان‌های مسئول پیاده‌سازی سیستم حاکمیت شرکتی پیشنهاد و تاکید می‌شود تا با اجرای مکانیزم‌های کارآمد سیستم حاکمیت شرکتی را در کشورمان ارتقا دهند.

۲. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که بین درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره (استقلال اعضای هیات مدیره) و محافظه‌کاری رابطه منفی معنادار وجود دارد، که این امر می‌تواند نشان‌دهنده‌ی عدم آشنایی این اعضا با نقش مهم نظارتی خود بر عملکرد مدیریت و نبود نقش موثر آن‌ها در بهبود کیفیت گزارشگری مالی باشد، لذا پیشنهاد می‌شود این اعضا با وظایف و نقش خود بیشتر آشنا شوند تا بتوانند نقش موثری را در امر حاکمیت شرکت‌ها ایفا کنند.

منابع

- بادآور نهندی، ی؛ و دیگران. (۱۳۸۸). **بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- حساس‌یگانه، ی؛ و دیگری. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران. **مجله پژوهش‌های حسابداری مالی**. سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، ص ۷۷.
- حساس‌یگانه، ی؛ و دیگری (۱۳۸۷). تاثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. **فصلنامه مطالعات حسابداری**. شماره ۱۷، ص ۱۵۱.
- حساس‌یگانه، ی. (۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی در ایران. **فصلنامه حسابرس**. سال هشتم، شماره ۳۲.
- حساس‌یگانه، ی. (۱۳۸۴). **فلسفه‌ی حسابرسی**. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- حساس‌یگانه، ی؛ و دیگری. (۱۳۸۶). همگرایی درحاکمیت شرکتی. **ماهنامه حسابداری**. سال بیست و دوم، شماره ۱۹۱.
- رحمانی، ع؛ و دیگران. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مالکیت اصلی و محافظه‌کاری در سود. **مجله دانش حسابداری**. سال دوم، شماره ۶، صص ۶۳-۴۳.
- رضازاده، ج؛ و دیگری. (۱۳۸۷). **رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی، (بررسی‌های حسابداری و حسابرسی)**. سال ۱۵، شماره ۵۴، صص ۸۰-۶۳.
- سینایی، ح؛ و دیگری (۱۳۸۴). بررسی تاثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر ساختار سرمایه (اهرم مالی). **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**. سال پنجم، شماره‌ی نوزدهم.
- شعری، ص؛ و دیگری. (۱۳۸۹). رابطه درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی با پیش‌بینی سود شرکت‌ها. **فصلنامه مطالعات حسابداری**. شماره ۱۷، صص ۱۰۴-۶۳.
- شورورزی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۸). نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری. **فصلنامه حسابداری**. شماره ۲۱۰.
- فروغی، د؛ و دیگری. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه‌کاری حسابداری. **فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی**. سال اول، شماره‌ی اول.
- فعلی، م. (۱۳۸۷). **بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت**. دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- قالیباف اصل، ح؛ و دیگری. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر ترکیب هیات مدیره بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه تحقیقات مالی**. دوره ۹، شماره ۲۳، صص ۴۸-۳۳.
- Abe de Jong, et al. (2002). International Corporate Governance and Firm Performance: an Empirical Analysis. **Journal of Financial Economics**. 41, P.p: ۱۷۳-۲۰۲.
- Ahmed, A. & Duellman, S. (2005). Evidence on the Role of Accounting Conservatism in Corporate Governanc. **Working Paper Syracuse University**. <http://www.ssrn.com>
- Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2007). Accounting Conservatism and Board of Director Characteristics: **An Empirical Analysis, Journal of Accounting and Economics**. V. ۴۳(۲-۳), P.p: ۴۱۱-۴۳۷.
- Ajinkya, B. Bhojraj, S. & Sengupta, P. (2005). "The association between Outsider Directors and Institutional Investors and the Properties of Management Earnings Forecasts". **journal of accounting research**. No. 43, v. 3 june, P.p: 343-376.
- Astami Emita, T. (2006). Accounting Policy Choice and Firm Characteristics in the Asia Pacific Region: An International Empirical Test of Costly Contracting Theory. **International Journal of Accounting**. 41, P.p: 1-21.
- Azofra, V. Castrillo, L. & Delgado, M. (2007). Ownership Concentration, Debt Financing and the Investment Opportunity Set as Determinants of Accounting Discretion. **Empirical Evidence From Spain, Spanish Journal of Finance and Accounting**. No. 115, P.p: ۲۱۵-۲۵۵.

- Ball, R. and Shivakumar, L. (2005). Earning Quality in U.K. Private Firms. **Journal of Accounting and Economics**. V. 39, P.p: 83-128.
- Basu, S. (1997). The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings. **Journal of Accounting and Economics**. P.p: 24-37.
- Beasley, M. S. (1996). An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. **The Accounting Review**. V. 71(4), P.p: 443-465.
- Beaver, W. and Ryan, S. (2004). Conditional and Unconditional Conservatism. **Concepts and Modeling, Review of Accounting Studies**. V. 10(2-3), P.p: 269-309.
- Beekes, W. Pope, P. and Young, S. (2004). The Link Between Earnings Timeliness, Earnings Conservatism and Board Composition. **Evidence from the U.K, Corporate Governance, An International Review**. V. 12(1), P.p: 47-59.
- Coles, J. McWilliams, W. Victoria, B. and Sen, N. (2001). An Examination of the Relationship of Governance Mechanism to Performance. **Journal of Management**. V.27, P.p: 23-50.